

## ۵۹. صور و صیدون

چند سال پیش در وسط خرابه های شهر صور ایستاده بودم. با حیرت اوضاع آن شهر را ملاحظه کردم و بیاد این آیه ئی که دستور خدا به پیغمبرش داده بود افتادم: «ای انسان خاکی، برای صور این مرثیه غم انگیز را بخوان: ای شهر مقتدر بندری، ای مرکز تجارت دنیا، به پیام خداوند گوش کن! می گویی که در تمام دنیا شهری زیباتر از تو نیست. تو حدود خود را به داخل دریا رسانیده ای و سازندگان تو را مانند یک کشتی زیبا ساخته اند.» (حزقیال ۲۷:۲۱).

بمدت ۲۰۰۰ سال صور در ابهت خود ترقی میکرد تا بمقام سرپرست دریاها رسیده بود. مرکز تجارت جهان شده بود. کشتیها از تمام ممالک دنیا در بندر صور لنگر انداخته ما التجاره خود را در بازارهایش عرضه میکردند. در قرن ششم قبل از میلاد نیروی دریائی صور به تمام بنادر آسیای مرکزی، افریقا و حتی جزایر انگلستان آمد و رفت بودند.

وقتی که صور به اوج جلال و قدرتش رسید مردم هیچ وقت تصور نمیکردند آن هم روزی زایل خواهد شد. ولی حزقیال نبی پیش آمد و با جرأت خاصی در سال ۵۹۰ قبل از میلاد، هنگامی که شهر اورشلیم به دست بابلیها منهدم شد و اهالی صور جشن شادمانی گرفتند. در آن موقع حزقیال الهام گرفته از طرف خداوند این نبوت را در مورد صور ابلاغ کرد: «ای صور، من در مقابل تو می ایستم و قومها را مثل امواج خروشان دریا بصد تو جمع می کنم. آنها حصارهای تو را خراب می

کنند و برج و باروها را فرو می ریزند. من خاک تو را جارو خواهم کرد تا چیزی جز صخره ای صاف برایت باقی نماند. جزیره ات غیر مسکون و جای ماهیگیران می شود تا تورهای خود را در آنجا پهن کنند. من که خداوند هستم این را گفته ام. . . تمام ثروت و کالاهای تو را غارت و دیوارهایت را خراب می کنند. خانه های زیبایت را ویران می سازند. سنگها، چوبها و خاک تو را به دریا می ریزند. . . بار دیگر هرگز آباد نخواهی شد، زیرا من که خداوند هستم این را گفته ام.» (حزقیال ۳:۲۶-۱۴و۱۲و۱۱).

آیا پیشنهاد پیغمبر اثری بر اهالی صور باقی گذاشت؟ نه خیر. آنان بقدری در امور روزمره زنبندگی خود مشغول بودند حرفهای آن را پیغمبر باصطلاح بیخود و غیر قابل اجرا معرفی میکردند. پنج سال بیشتر نگذشت که بخت النصر، پادشاه بابل بر علیه شهر صور برای مدت سیزده سال تاخت آورد و نابودش ساخت. سربازان بابل بسیار کوشیدند تا دیوارها را خراب کنند که «آنقدر بارهای سنگین حمل کردند که موهای سرشان ریخت و پوست شان هایشان ساییده شد.» (حزقیال ۱۸:۲۹).

فانحان شهر را تصرف نمودند ولی نتوانستند به قسمت صور، جزیره ای که نیم کیلومتر با ساحل دریا فاصله داشت تجاوز کنند. بدون شک بعضیها خیال میکردند که نبوت حزقیال بی معنی و پوچ بود ولی نقشه کلی خداوند را بطور کلی نفهمیده بودند. نبی پیشگوئی کرده بود که چوب و صخره و حتی خاک شهر بدریا افکنده خواهد شد.

دو قرن و نیم گذشت. اسکندر کبیر تحاجمات جهان کستر را شروع کرد. یکی از اهداف وی همان شهر صور بود. در سال ۳۳۲ قبل از میلاد برای فتح صور که اکنون در جزیره ای نزدیک بود مجبور شد راهروئی برای ارتش خود بسازد. بنابراین سربازانش تمام چوبها و صخره ها و دیوارها و برجهای سابق، حتی خاکهائی را که در شهر قدیم صور مانده بود به دریا ریختند و ارتش او توانست عبور کرده بدان ترتیب جزیره را فتح نماید. امروز آن راهروئی که اسکندر بنا کرد دیده میشود و ستونها و صخره ها همه ظاهر بطوری که توانستم عکس آنها را بردارم. اگر این برنامه تلویزیونی بود میتوانستم آنها را بشما نشان دهم.

خدا توسط حزقیال نبی گفته بود که «تو را به صخره ای صاف تبدیل می کنم و آن، مکانی برای ماهیگیران می شود که تورهای خود را در آن بگسترانند. بار دیگر هر گز آباد نخواهی شد، زیرا من که خداوند هستم این را گفته ام.» (حزقیال ۱۴:۲۶).

قدرت خداوند در پیشگویی اوضاع دنیا دلیل کافی بر حقانیت کتاب مقدس وی میباشد. اگر هر شخص بی اعتقاد به کتاب مقدس مبلغ فقط یک دلار برای دوباره بنا کردن شهر صور می پرداخت، میتوانست آن شهر را بطور کامل دوباره بنا کند و عقیده پوچ خود را ثابت کند که کتاب مقدس اعتبار ندارد. ولی خدا گفته بود که دوباره آباد نخواهد شد و تا با امروز ماهیگیران تورهای خود را برای خشک شدن روی صخره های آن شهر قدیم پهن میکنند.

پیغمبر حدس نزد. الهام از خدا گرفته، پیشگوئی نمود. در کنار صور شهر دیگری بنام صیدون در طرف ۴۰ کیلومتر شمال صور بود و یکی از شهرهای نسبتاً کوچک و بی ارزش آن زمان بود. حزقیال نبی راجع به صیدون نیز اینطور پیشگوئی نمود: «بسوی شهر صیدون نگاه کرده، بضد آن پیشگویی کن و بگو خداوند چنین می فرماید: "ای صیدون، من دشمن تو هستم و قدرتم را به تو نشان خواهم داد. وقتی با مجازات کردن تو قدوسیت خود را آشکار کنم، آنگاه خواهند دانست که من خداوند هستم. امراض مسری بر تو می فرستم و سربازان دشمن از هر طرف به تو حمله کرده، ساکنان تو را از دم شمشیر خواهند گذرانند و خون در کوچه ها جاری خواهد شد. آنگاه خواهی دانست که من خداوند هستم."! (حزقیال ۲۸:۲۰-۲۳).

امروز صیدون شهر پر جمعیتی است. فرق بین صیدون و صور معلوم میکند که نبی حدس نمیزد بلکه فرمایشات پروردگار را بیان میکرد. ما نیز باید از تمام فرمایشات خداوند استفاده کنیم.

برنامه بعدی راجع به پیشگوئیهها در باره ایام آخر - امروزه - میباشد. آیا

خداوند راجع به امروز چیزی گفته؟ منتظر خبر خوش باشید.